

بررسی اختلالات (رفتاری و پرخاشگرایانه) دانش آموزان پایه چهارم مقطع ابتدایی دبستان

احمد شهرکی زاد^۱، فاطمه سپاه بری^۲

^۱استاد دانشگاه فرهنگیان، رسالت، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، رسالت، زاهدان، ایران

چکیده

در روز اول مهر در کلاس متوجه دختری شدم که نا آرام و ناسازگار بود و مرتب به دیگران پرخاشگری می کرد کارهای او را زیر نظر گرفتم و متوجه شدم که این کودک در این چند ساله همین رفتارها را داشته و باعث آزار و اذیت دیگران بوده است. به طوریکه بچه ها از کنار او بودن رنج می بردند، چون از اذیت های او درامان نبودند، به همین خاطر با او بازی نمی کردند، او را در جمع خود راه نمی دادند، در کنار او نمی نشستند، در گروه های تدریس به سختی او را قبول می کردند، هر گاه جایی برای او در کلاس در نظر می گرفتم صدای اعتراض دیگران بلند می شد. طی تحقیقات مستمر به این نتیجه رسیدم که او از کودکی از حمایت های بی رویه پدر برخوردار بوده، پدر و مادر برای تربیت او همسو نبوده و او نیز از این رفتار سوء استفاده کرده و رفتارهای زشت و ناپسندی از خود بروز داده است. چون پرخاشگری های او بیش از حد شده بود و دیگران از دست او آرامش نداشتند به فکر افتادم تا راهی پیدا کرده که این رفتارهای زشت او را کاهش دهم. گروهی متشکل از مدیر، معاونین مدرسه و معلم سال قبل او تشکیل دادم. راه حل هایی با مشورت آنها در نظر گرفته شد. از جمله: سرپرستی گروهی کوچک، دادن چند مسئولیت به او، کم کردن حمایت پدر، افزایش محبت مادر، همکاری والدین با اولیاء مدرسه، تذکر و توضیح عواقب کارهایش، هم جهت بودن والدین در تربیت او و ... هدف بنده از این پژوهش بهبود بخشیدن به مشکل اختلال رفتاری دانش آموز فاطمه بوده است. روش تحقیق بصورت توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و شواهد از طریق مشاهده رفتاری دانش آموز و مصاحبه با خود دانش آموز، معلم سال قبل وی و مدیر مدرسه بوده است و همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر درباره علل پرخاشگری سعی کردم از منابعی چون اینترنت، کتابخانه، مشاوران و... استفاده کنم و مرحله بعد به تجزیه و تحلیل عوامل مختلف این مشکل پرداختم و با انتخاب راه حل های اعتبار بخشیده آنها را به اجرا درآوردم.

واژه های کلیدی: اختلال، پرخاشگری، بهبود، فاطمه، دبستان

مقدمه

مشکلات سلوک و پرخاشگری به آن دسته از رفتارهای ضداجتماعی اشاره دارد که نشان می دهد فرد در انطباق رفتار با انتظارات اشخاص صاحب قدرت در زندگی مثل والدین و معلم و یا هنجارهای اجتماعی یا احترام به حقوق دیگران ناتوان است. این رفتارها می تواند کشمکش های خفیف با منابع قدرت مثل تقابل ، عدم اطاعت ، نافرمانی و بحث ، انحراف عمده از هنجارهای اجتماعی مثل فرار از مدرسه و منزل تا دست اندازی جدی به حقوق دیگران مثل تهاجم را در برگیرد.

امروزه از کلمه پرخاش یا پرخاشگری به طور کلی رفتاری درک می شود که به حمله به یک انسان و آسیب رساندن به او می انجامد . پرخاشگری شکلی از تخلیه تنش های انباشته شده است . وقتی پرخاشی از کودک سر می زند ، دلیلی آشکار بر این است که مشکلی در زندگی احساسی او پیش آمده است . رفتار پرخاشگرانه هرگز بی دلیل آشکار نمی شود . در مورد کودکان دلایل بسیاری وجود دارد که می توانند پرخاشگری را به عنوان یک رفتار ناهنجار فرابخوانند مانند : کمبود حمایت روانی و تائید ، محدود کردن فعالیت کودکان ، کمبود اعتماد به نفس ، الگوی بد بزرگسالان ، تجارب زورگویی شخصی و دلایل دیگری که هرکدام از اینها به تنهایی مشکلاتی به بار خواهد آورد . گاه نیز در فردی چند مشکل از این دسته کنار هم جمع شده و شخص را فردی ناسازگار و پرخاشگر خواهد ساخت.

عوامل موثر بر پرخاشگری

رفتارهای تهاجمی یا پرخاشگرانه از شایعترین اختلالات رفتاری انسان است. براساس بررسیهای انجام شده، درصد زیادی از مشکلات رفتاری کودکان تحت عناوین مختلف به پرخاشگری مربوط می شود. وجود نظریات متنوع در این مورد حاکی از پیچیدگی موضوع است.

انواع پرخاشگری

پرخاشگری نوع رفتاری است که از خشم و عصبانیت نشأت می گیرد و می توان آن به دو گروه تقسیم بندی کرد:

الف: پرخاشگری خصمانه

پرخاشگری خصمانه رفتاری است که به منظور صدمه و آزار رساندن به دیگری یا دیگران ابراز می شود؛ و هدف در آن صرفاً آزار رساندن است. مثلاً کودکی کودک دیگر را می زند و یا در مدارس دیده می شود که زنگهای تفریح، کودکان در حیاط مدرسه بعضاً به کتک کاری می پردازند.

ب: پرخاشگری وسیله ای

پرخاشگری وسیله ای رفتاری است که فرد به وسیله آن خواستار به دست آوردن هدفی دیگر است و ابداً قصد حمله به دیگران یا اذیت کردن آنها را ندارد. البته در این میان ممکن است لطمه ای نیز به کسی وارد شود. مثلاً کودکی بزهکار کیف خانمی را می رباید تا به این وسیله مورد تشویق و تأیید گروه همسالان قرار گیرد ممکن است پرخاشگری جنبه انتقام گیری نیز داشته باشد. یعنی کودکی که مورد اذیت و آزار قرار گرفته و نتوانسته خشم خود را ابراز کند، اکنون با پرخاشگری به کاهش اضطراب خود می پردازد. در این جا پرخاشگری وسیله ای است که کودک با توسل به آن می خواهد به هدف خود یعنی کاهش اضطراب دست یابد. (۲)

جهت پرخاشگری ممکن است به یکی از این دو صورت باشد:

الف) پرخاشگری درونی

ب) پرخاشگری بیرونی

چنانچه جهت پرخاشگری به طرف درون باشد، کودک خشم را به درون خود می افکند و دچار خشم فرو خورده می شود. پیامد چنین عملی می تواند افسردگی نیز باشد. کودکان افسرده در واقع از دست خودشان عصبانی هستند.

خشم درونی عصبانیت و نارضایتی از خود را به وجود می آورد.

خشم بیرونی؛ کودک ممکن است خشم خود را به صورت رفتارهایی از قبیل فریاد کشیدن، پا به زمین کوبیدن یا پرتاب کردن اشیا بروز دهد.

علل پرخاشگری

۱- خشونت در قالب پرخاشگری فیزیکی یا لفظی ممکن است ناشی از ناکامی های اساسی باشد یا به دلیل وجود مدل های پرخاشگرانه در محیط زندگی (خانه یا مدرسه) کودک ایجاد شود .

۲- کودکان خشن معمولاً والدینی پرخاشگر دارند که روش های تربیتی آنها بیشتر مبتنی بر سخت گیری، خشونت و تنبیه بدنی است .

۳- عامل وراثت هم می تواند در رفتار خشن یک کودک نقش داشته باشد که بیشتر رفتاری اکتسابی و آموخته شده است. تحقیقات نشان می دهد که در اغلب مواقع، تربیت های کارآمد و قوی می تواند آثار وراثت را تحت پوشش خود قرار دهد.

۴- نوجوانی که پرتوقع و نازپرورده بار آمده است و انتظار دارد که همگان به خواست های او احترام بگذارند، هنگام برآورده نشدن انتظاراتش، عصبانی می شود و، به خشونت و پرخاشگری متوسل می گردد. (۱)

۵- نابسامانی های خانواده می تواند از عوامل دیگر ایجاد خشونت در قالب پرخاشگری باشد. مانند غیبت های طولانی پدر یا مادر، درگیری و اختلاف، جدایی و متارکه و محیط های زندگی دور از تفاهم و مسالمت.

ارائه دلایل مشکل پرخاشگری:

۱: تفاوت های جنسیتی

پسرها پرخاشگرتر از دخترها هستند. این تفاوت در غالب فرهنگ ها و تقریباً در همه سنین و نیز در غالب حیوانات دیده می شود. پسرهای بیش از دخترها پرخاشگری بدنی و لفظی دارند. از سال دوم زندگی این تفاوت ها آشکار می شود. براساس مطالعات مشاهده ای در مورد کودکان نوپای بین سنین ۱ تا ۲ سال تفاوت های جنسیتی از لحاظ تعداد پرخاشگری بعد از ۱۸ ماهگی ظاهر می شود و قبل از آن اثری از آن نیست. پسرها به خصوص وقتی که به آنان حمله می شود یا کسی مزاحم کارهایشان می شود تلافی می کنند.

۲: عوامل خانوادگی پرخاشگری

عوامل خانوادگی به عنوان یکسری از عوامل محیطی در بررسی عوامل تربیتی افراد موثر می باشند، چرا که خانواده به عنوان اولین محیط اجتماعی زندگی افراد بسیار حائز اهمیت می باشد و خیلی از چیزها را افراد در سالهای اولیه حیات اجتماعی خود در آن می آموزند. خانواده می تواند از جهات مختلف موجب بروز یا تشدید پرخاشگری شود که مهم ترین این عوامل عبارتند از:

(۱) نحوه برخورد والدین با نیازهای کودک: معمولاً کودکی که وسایل و اسباب بازی مورد علاقه خود را در دست دیگری می بیند برانگیخته می شود و در صدر گرفتن آن حتی با اعمال خشونت می شود. تجربه نشانگر آن است که چنانچه در کودکی همیشه توقعات و انتظارات فرد برآورده شده باشد او بیشتر از کسانی که توقعات و انتظاراتشان برآورده نشده است خشمگین و پرخاشگر می شود.

۲) وجود الگوهای نامناسب: داشتن الگوی مناسب در زندگی یکی از نیازهای انسان است زیرا انسان‌ها علاقه مند هستند که رفتار و کردار خود را مطابق با کسی که مورد علاقه خودشان است انجام دهند و چنین کسانی را راهنما و الگوی زندگی خود قرار دهند بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بیشتر کودکان پرخاشگر والدین خشن و متخاصمی داشته‌اند یعنی نه تنها کودک آنها از محبت لازم برخوردار نبود از الگوی پرخاشگری موجود در خانواده نیز تأثیر پذیرفته بود. دیکتاتوری خانواده‌هایی که تابع اصول دیکتاتوری هستند معمولاً رشد فرزندان‌شان را محدود می‌کند در این نوع از خانواده یک نفر حاکم بر اعمال و رفتار دیگران است که غالباً پدر چنین نقشی را دارد اما گاهی اوقات مادر، خواهران و برادران بزرگ‌تر نیز با دیکتاتوری رفتار می‌کنند در این گونه خانواده‌ها فرد دیکتاتور تصمیم می‌گیرد، هدف تعیین می‌کند، راه نشان می‌دهد، وظیفه معلوم می‌کند، برنامه می‌ریزد و همه باید به طور مطلق مطابق میل او رفتار کند و حق اظهارنظر از آن اوست. بچه‌هایی که در محیط دیکتاتوری پرورش پیدا می‌کنند ظاهراً حالت تسلیم و اطاعت در رفتارشان مشاهده می‌شود و همین حالت آنها را به هیجان و اضطراب وا می‌دارد. این بچه‌ها در مقابل دیگران حالت دشمنی و خصومت به خود می‌گیرند و به بچه‌های هم سن و سال خود یا کمتر از خود صدمه می‌رسانند این افراد از تعصب خاصی نیز برخوردارند و از به سر بردن با دیگران عاجز هستند، در کارهای گروهی نمی‌توانند شرکت کنند و از اعتماد به نفس ضعیفی برخوردارند و در امور زندگیشان بی‌لیاقتی خود را نشان می‌دهند و اغلب در کارها با شکست روبرو می‌شوند. (۳)

۳) تأثیر رفتار پرخاشگرانه: عده‌ای از افراد پرخاشگر و زورگویی را تقبیح نمی‌کنند بلکه آنرا نشانه شهامت و قدرت خود می‌دانند این افراد اعمال پرخاشگرانه خود و دیگران را مثبت موجه و حتی لازم می‌دانند و به آن صحنه می‌گذارند.

۴) تشویق رفتار پرخاشگرانه: در مواقعی که رفتار پرخاشگرانه توسط والدین و دیگر افراد سبب تقویت مثبت و تثبیت این رفتار می‌شود. گاه با والدین یا مربیانی روبرو می‌شویم که به بهانه آموزش دفاع از خود به کودکی می‌گویند «از کی نخوری» «توسری نخوری» و... که به طور وضوح به جای نشان دادن رفتارهای منطقی در مقابل برخورد با موانع شخصی را به پرخاشگری بی‌مورد تشویق می‌کنند.

۵) تنبیه والدین و مربیان: والدین و مربیان که در برابر پرخاشگری و خشونت کودک عصبانی می‌شوند به صورت پرخاشگرانه او را تنبیه می‌کنند از تشدید این رفتار در او موثرند در چنین مواقعی تنبیه عامل فزاینده و تقویت کننده پرخاشگری است زیرا علاوه بر اینکه سبب خشم و احتمالاً پرخاشگری کودک می‌شود، شخص تنبیه کننده الگوی نامناسبی برای پرخاشگری کودک می‌شود. (۴)

نحوه ی برخورد با مسئله :

اینجانب فاطمه سپاه بری مدت یک سال است که در کسوت مقدس معلمی مشغول به خدمت هستم . در حال حاضر پست سازمانی من آموزگاری پایه چهارم ابتدایی می باشد . پژوهش حاضر مربوط به سال تحصیلی ۱۴۰۰-۹۹ می باشد . روز اول مهر بود . در سال تحصیلی که گذشت پایه چهارم را برای تدریس انتخاب کردم . کلاسی به من سپرده شد که ۲۸ دانش آموز داشت از آنها هیچ شناختی نداشتم ، چون از زمان ورود آنها به مدرسه در پایه اول در آن مدرسه نبودم . ساعت اول با معرفی بچه ها آغاز شد . هنوز چند دقیقه ای از شروع کلاس نگذشته بود که رفتار یکی از شاگردان توجه مرا به خود جلب کرد . در میز دوم ردیف وسط دانش آموزی نشسته بود با جثه ای متوسط که وقتی نگاهم به او افتاد مشغول درآوردن شکلک به یکی از بچه ها بود . وقتی دید نگاهم بر روی اوست با گفتن ببخشید آرام گرفت ولی این آرامش چند لحظه ای بیشتر دوام نیاورد و او هراز چند گاهی با اذیت و آزار و حرفهای زشت و ناآرامی ، کلاس را از حالت عادی خارج می کرد . چندین بار به او تذکر دادم ولی فقط برای چند دقیقه او را آرام نگه می داشت .

زنگ تفریح شد . در زمان ورود به کلاس در صف فریاد تعدادی از بچه ها و معاون مدرسه شنیده می شد که نام فاطمه یعنی همان دانش آموز ناآرام بر سر زبانها بود . متوجه شدم که چند نفر را به شدت کتک زده بود . خلاصه هر روز ، هر ساعت به همین منوال می گذشت با او صحبت کردم می گفت قصد اذیت دیگران را ندارم ولی نمی توانم خودم را کنترل کنم .

این رفتارهای او مرا به عنوان یک معلم بر این داشت که تمام سعی خود را انجام دهم تا بتوانم گامی حتی کوچک در کاهش رفتار پرخاشگرانه ی او بردارم تا او را به عنوان دانش آموزی خوب و با ادب در مدرسه بشناسانم و موجب آرامش او شوم تا بتواند شاگردی آرام در کنار شاگردان دیگر به درس خود پرداخته و دوستان صمیمی پیدا کند .

توصیف وضع موجود :

رفتارهای او را زیر نظر گرفتیم او از نظر درسی شاگردی باهوش و زرنگ و مرتب با نمرات عالی بود ولی اذیت و آزار او به حدی بود که هر روز تعدادی از اولیاء دانش آموزان مدرسه از کلاس اولی گرفته تا کلاس پنجم برای اعتراض به رفتارهای او به مدرسه مراجعه می کردند . بچه ها با او بازی نمی کردند ، کسی در کلاس حاضر نبود کنار او در میزی بنشیند او را در گروه راه نمی دادند ولی او دست بردار نبود .

این مسئله سوالاتی در ذهنم ایجاد کرد . می خواستم بدانم که چه چیزی باعث رفتار پرخاشگری درفاطمه شده است و آیا این رفتار امسال از او سر می زند یا در سال های قبل هم صورت می گرفته است .

برای یافتن پاسخ سوال هایم به سراغ معلم سال قبل او رفتم نگاهی به من انداخت و گفت : خدا کمکت کند سال سختی در پیش داری .

در همان زمان یکی از معلمان کلاس اول جلو آمد و گفت : با فاطمه خدا بهت رحم کند .

نگران شدم به سراغ مدیر مدرسه رفتم و از او پرس و جو کردم او اطلاعات کاملی در اختیارم گذاشت .

این کودک از زمان پیش دبستانی و کلاس اول همین رفتارها را داشته به طوری که نه تنها با دانش آموزان دیگر بلکه با برادر و مادر خود نیز این گونه برخورد کرده بود . طوری که هر روز و جلوی در مدرسه بین او و مادرش درگیری بوجود می آمده و روزها اتفاق می افتاده که صورت و دستان مادرش را زخمی کرده تا اینکه یکی از اولیاء مدرسه به کمک رفته و مادر را از دست او نجات می داده است .

با پیگیری های مستمر متوجه شدم که این کودک در منزل از حمایت های بی رویه پدر برخوردار است .

مادر و پدر برای تربیت او رفتاری دوگانه دارند . هر گاه اشتباهی مرتکب شده و با مخالفت مادر روبه رو شده ، پدر به پشتیبانی از او پرداخته و به مادر اعتراض کرده و او را محکوم کرده بود .

در مهمانی ها و دور هم جمع شدن خانواده (چه پدری و چه مادری) و فامیل همیشه کدورت و دلخوری پیش آمده و پدر با ناراحتی و قهر با دخترش مهمانی را ترک نموده .

با صحبت هایی که با مادر او داشتیم به این نتیجه رسیدیم که او از همان کودکی و زمانی که هنوز کوچک بوده نیز این رفتارها را داشته ، به طوری که برای انجام کارهای روزمره مجبور بوده او را به ستون وسط اتاق ببندد . بنا به درخواست من و پیگیری های مداوم مدیر پدر او به مدرسه آمد . پدری بی منطق و خودخواه به نظر می رسید . با تمام صحبت هایی که با او شد فقط این نکته را تکرار می کرد که دخترم برایم بسیار عزیز است و حاضر نیستم باعث ناراحتی او شوم . تا وقتی بچه است هرکار دلش خواست انجام دهد .

ضرورت و اهمیت تحقیق :

این موضوع برای من بسیار حائز اهمیت بود ، چون هر روز بر تعداد کودکانی که به دلیل داشتن روحیه پرخاشگری از تحصیل منع می شوند اضافه می گردد . در خارج از مدرسه نیز قربانی های روحیه این کودکان ، اغلب دیگر کودکان کوچکتر و مردم عادی می باشند که در نهایت به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است .

در کتاب پرخاشگری کودک ، نوشته آرش میرخانی ، به این نکته اشاره شده که ۹۰٪ مجرمانی که دست به ارتکاب جنایت می زنند در دوران کودکی خود دچار اختلالات رفتاری بوده اند .

یکی از این اختلالات پرخاشگری دوران کودکی است که اگر به موقع جلوگیری نشود عواقب زیانباری به دنبال خواهد داشت .

شواهد ۱:

برآن شدم که رفتار او را مورد توجه بیشتری قرار داد و در این زمینه از مدیر و معاون و معاون پرورشی نیز کمک بگیرم. رفتار او را در یک مورد بررسی قرار دادم و طبق آن جدول زیر را کامل نمودم.

موضوع	هفته اول آبان		هفته دوم آبان		هفته سوم آبان		هفته چهارم آبان	
	در کلاس	در حیاط	در کلاس	در حیاط	در کلاس	در حیاط	در کلاس	در حیاط
۱. آزاروادی و کتک زدن بچه ها	۲۵	۱۶	۲۴	۲۰	۳۰	۲۳	۲۸	۲۵
۲. عدم سازش در گروه	۱۰	۷	۱۲	۸	۸	۷	۱۲	۱۰
۳. گفتن حرفهای زشت و ناسزا	۲۰	۱۷	۲۵	۱۵	۳۰	۲۵	۳۰	۲۴

در زنگ ورزش نیز رفتار او را مورد نظر قرار دادم و تعداد نا آرامی ها و عدم سازش او را در این زنگ نیز یادداشت کردم.

موضوع مورد نظر	هفته اول آبان	هفته دوم آبان	هفته سوم آبان	هفته چهارم آبان
عدم آرامش در زنگ ورزش	۸	۵	۷	۶

او در زنگ ورزش هم نمی توانست در گروه سازش و آرامش داشته باشد و به راحتی با بچه ها کنار نمی آمد. همیشه وسایل بازی را در اختیار خود می گرفت. بازی ها را تا آخر انجام نمی داد و در وسط بازی قهر می کرد و از جمع بچه ها دور می شد. ولی بعد از چند دقیقه به جمع برمی گشت و در بازی دیگر هم ناسازگاری کرده و دوباره همان کار را تکرار می کرد.

جمع آوری اطلاعات :

مشکل او روز به روز بیشتر می شد به دنبال حل مشکل رفتیم باید راهی پیدا می کردم ولی چطور باید مشکل را حل کنم؟ به سراغ کتابهای مختلف در مورد رفتارهای او رفتیم.

به مطالب بسیار مفیدی در رابطه با این مشکل برخوردیم که به طور خلاصه به آن اشاره می‌کنم:

وقتی پرخاشی از کودکی سر می‌زند، دلیلی بر این است که مشکلی در زندگی احساسی او پیش آمده است.

یکی از عوامل اصلی بروز رفتار پرخاشجویانه محیط و عامل ژنتیکی است که عامل ژنتیکی به نظر می‌رسد در سنین بالاتر بیشتر نقش داشته باشد، اما عامل محیطی مستقیماً کودک را آلوده می‌کند.

نوع تربیت و شکل پرورش والدین دیگر بروز این رفتار است که عدم نظارت کافی، دم‌دمی مزاجی رفتار والدین، عدم هماهنگی میان پدر و مادر، عدم پذیرش کودک به عنوان عضوی از یک خانواده و مشارکت بسیار محدود و ناکافی در کارها و فعالیت کودکان و عدم تعامل بین کودک و والدین را شامل می‌شود.

همچنین تاثیر مستقیم والدین بر احساسات کودک نیز می‌تواند عامل دیگری برای ایجاد این رفتار در کودک شود.

کودک احساس خشم را در خانه تجربه می‌کند و در آینده همان رفتار خود قرار می‌دهد.

گاهی نیز این مشکلات در دوستی‌های زمان مدرسه بروز داده می‌شود این افراد نمی‌توانند به درستی با دیگران ارتباط برقرار کنند و باعث افزایش پرخاشگری می‌شود.

کودکان می‌توانند پرخاشگری را به پاداشی که به خاطر اراده چنین رفتاری دریافت می‌کنند بیاموزند یا از طریق تقلید از مدل بیاموزند بی تردید کودکان فرصت کافی برای مشاهده مدل‌های پرخاشگری را دارند والدینی که با تنبیه بدنی، کودکان خود را ادب می‌کنند مدل‌های خوبی برای کودکانشان هستند.

به سراغ مدیر مدرسه رفتیم و با او مشورت کردیم. مشکل را از زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار دادیم.

فاطمه کودکی بود که از عدم نظارت کافی، عدم هماهنگی میان پدر و مادر و دم‌دمی مزاجی رفتار والدین در زندگی برخوردار بود و با این شرایط بزرگ شده بود.

بار دیگر مادر او را به مدرسه دعوت کردیم و با او به مذاکره پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که فاطمه بیشتر از موارد ذکر شده در نوع تربیت و پرورش والدین دچار مشکل شده است مادر متذکر شد که:

نظارت کافی بر کارهای او نبوده و او از کودکی هر زمان که خواسته هر کاری را انجام داده، چون پدر از او حمایت کرده، بین رفتار مادر و پدر هیچ هماهنگی وجود ندارد و بارها و بارها اتفاق افتاده که آنها بر سر این موضوع دعوا کرده و حتی چندین بار به قهر کردن و بیرون رفتن مادر از خانه شده است بعد از گذشت چند سال رفتار پدر نیز به تازگی تغییر کرده و از تعادل برخوردار نیست. از کارهای کودکش به تنگ آمده و دیگر تحمل کارهای او را ندارد.

پدر نیز جداگانه به مدرسه آمد وقتی پای صحبت او نشستیم این بار سر صحبت را باز کرد با دفعه ی قبل فرق داشت این بار خسته و پشیمان بود او متذکر شد که رفتار دخترش به خاطر اخلاق بد خاله های اوست. او خاله ها را الگوی خود قرار داده و رفتارهای بد و حرفهای زشت را از آنان تقلید کرده است. من نیز از کارهای او خسته شده و دیگر نمی توانم تحمل کنم. شیطنت های او دیگر قابل تحمل نیست فکر می کردم اگر از او حمایت کنم رفتار او تغییر خواهد کرد و او را به آرامش می رسانم ولی اکنون به بن بست رسیدم الان هم نمی دانم چه کنم، آیا می توانم رفتار او را تغییر دهم؟ با صحبت هایی که با پدر و مادر فاطمه کردم و مطالبی که از کتابها به دست آوردم تصمیم گرفتم راه حلی برای رفع این مشکل پیدا کنم تا او هم مانند بچه های دیگر به راحتی در جمع حضور پیدا کرده و از زندگی لذت ببرد.

ارائه راه حل و اعتبار بخشی راه حل :

چندین راه حل در ذهنم نقش بست. باید آنها را بررسی می کردم که به نتیجه مطلوب برسم.

۱- اولین راه حلی که به نظر هر پژوهنده می رسد این است که او را مسئول کارهایی در کلاس کنم.

۲- معاون مدرسه پیشنهاد کرد که او را نماینده کلاس اول کنیم.

۳- یکی دیگر از راه حل هایی که به نظر می رسید تغییر رفتار والدین بود.

۴- همکاری پدر و مادر با اولیاء مدرسه یکی دیگر از راه حل ها بود.

۵- باید محبت مادر نسبت به او بیشتر و باعث جلب توجه او شود.

۶- کم شدن حمایت پدر

۷- خوب و دلسوز جلوه دادن مادر نزد او از طرف اولیا مدرسه

۸- یک راه دیگر که می توانست رفتار او را تغییر دهد ، در کنار انجام کارهای ناپسند او توضیح این کار و عواقب بد این کارها به او بود . به نظر می رسید که او حتی متوجه این نیست که کارهایش چه عواقبی به دنبال دارد .

۹- درج موارد در پرونده ی انضباطی او

۱۰- اخراج موقت و سه روزه ی او از مدرسه و برگشت توسط مادر

جلسه ای با حضور مدیر ، معاونین و معلم کلاس اول و دوم او تشکیل دادیم راه حل ها و طرح ها را ارائه دادم . راه حل ها تأیید شد و تصمیم گرفته شد تا راه حل ها یکی یکی و با کمک مدیر و معاونین به اجرا درآید تا ببینیم کدام راه حل بهتر به نتیجه رسید.

اجرای راه حل :

روز بعد انجام چندین کار را به او واگذار کردم . ولی او برای انجام این کارها با بچه ها درگیر شده و جنگ و ستیز به راه انداخت این راه حل به نتیجه نرسید .

به پیشنهاد معاون مدرسه او را نماینده کلاس اول کردیم ولی این راه حل نیز چاره ی کار نشد و به نتیجه نرسید ، چون تنها دو روز از این موضوع نگذشته بود که خانواده های زیادی برای اعتراض به کارهای او به مدرسه آمدند و مجبور شدیم این مسئولیت را از او سلب کنیم .

بار دیگر پدر و مادر او را به مدرسه دعوت کردیم و در مورد راه حل های مختلف با آنها صحبت کردیم . مادر و مخصوصاً پدر باید خود را تغییر می دادند . ما برای انجام چند راه حل به کمک آنها نیاز داشتیم . پدر باید حمایت های خود را آرام آرام نسبت به او کم می کرد تا هم آسیب روحی به او وارد نشود و هم مادر کار خود موفق شویم با این کار راه برای محبت بیشتر مادر به او باز می شد و از طرفی ما می توانستیم مادر را نزد دخترش خوب و پرمحبت جلوه دهیم .

پدر قبول کرد و به مادر پیشنهاد شد که با محبت بیشتر او را به خود جلب کند .

این راه به وقت زیادی نیاز داشت . مجبور بودم در کنار این راه حل ، راه حل دیگری نیز در پیش گیرم .

درج موارد در پرونده و اخراج از مدرسه به خاطر خشن بودن انجام نشد چون احتمال داده می شد که وضع او را وخیم تر کند . پس تا زمانی که تغییر رفتار والدین انجام شود و به نتیجه برسد به سراغ راه حل توضیح کارهای او رفتیم به نظر می رسید ازراه حل های دیگر بهتر نتیجه دهد .

کارها و رفتار او مرتباً زیر نظر بود هر کار زشت و ناپسندی که از او سر می زد در زنگ تفریح یا دقایقی که فرصت پیش می آمد در موردش باهم صحبت می کردیم و به او متذکر می شدیم که این کارش ناپسند و آزار دهند ه ی دیگران است و دلیل ایراد گرفتن از کارهایش را توضیح می دادم . بعد از چند روز متوجه شدم که او واقعا از زشت بودن کارهایش اطلاعی نداشته و همه را مخالف خود می داند تا کنون کسی برای او دلیل تذکرها را توضیح نداده بنابراین کارها در نزد او بد نبوده و به راحتی این کارها را انجام می دهد .

ارزیابی و اعتبار بخشی :

راه حل جدید به نظر می رسید بهتر از دیگر روشها مشکل را حل کند این راه را حدود سه هفته ادامه دادم .

در این مدت از شدت پرخاشگری او کم شده بود به نظر می رسید دوست ندارد بچه ها از او ناراحت باشند سعی می کرد خود را کنترل کند وقتی کار اشتباهی می کرد کافی بود نگاهش کنم بلافاصله معذرت خواهی می کرد به بچه ها سفارش کرده بودم در برابر او آرامش بیشتری از خود نشان دهند و با او دوستی نزدیکتری داشته باشند آنها نیز او را به جمع خود راه می دادند و با هم بازی می کردند در زنگ ورزش می توانست یکی دو بار در بازیهای دسته جمعی شرکت کند در حیاط مدرسه کمتر دعوا می کرد سر صف بیشتر اوقات در جای خود می ایستاد ، در زمان تدریس در گروه باقی می ماند و کمتر گروه را بر هم می زد از دید من تغییراتی حاصل شده بود برای اطمینان بار دیگر جلسه ای با حضور مدیر ، معاون و معلم سال قبل او تشکیل شد مدیر تغییر رفتار او را تأیید کرده او توضیح داد که چند روزی است تعداد شاکیان فاطمه کم شده معاونین هم این تغییر رفتار را تأیید کرده و گفتند در این چند روزه جدال های او کمتر شده زمانی که زنگ خورده بیشتر اوقات در جای خود می ایستد و کمتر جای دیگران را می گیرد حرفهای زشت و رکیک او کاهش یافته است . معلم سال گذشته ی او گفت او را در حیاط و راهرو دیدم با سال قبل فرق کرده است رفتارهای سال قبل در او کاهش یافته و او از آرامش نسبی برخوردار است .

بعد از آن به سراغ بچه های کلاس رفتیم با او صحبت کردم همگی معتقد بودند که او بهتر شده کمتر با آنها دعوا می کند بیشتر اوقات در زنگ تفریح با آنها بازی می کند .

مادرش به مدرسه آمد وقتی از مدرسه برمی گردد تمام اتفاقات را بی کم و کاست تعریف می کند کمتر برادرش را آزار می دهد کمی آرامتر شده و بیشتر به درسهایش می رسد .

هنوز تا از بین رفتن پرخاشگری او راهی طولانی در پیش بود ولی همه از کاهش رفتارهای او احساس رضایت داشتند .

شواهد ۲

رفتار او را چه در کلاس و چه در حیاط مدرسه در سه هفته آذر مورد بررسی قرار داده و جدول زیر را ترسیم کردم .

هفته دوم آبان		هفته سوم آبان		هفته چهارم آبان		موارد بررسی شده
در کلاس	در حیاط	در کلاس	در حیاط	در کلاس	در حیاط	
۲۰	۱۵	۱۶	۱۳	۱۰	۱۰	۱. اذیت و آزار و کتک زدن
۸	۶	۷	۶	۵	۵	۲. عدم سازش در گروه
۱۷	۱۵	۱۵	۱۰	۸	۷	۳. گفتن حرفهای زشت

در زنگ ورزش نیز تغییر رفتار او کاملاً مشهود بود و کمتر با دیگران ناسازگاری می کرد بازیهای دسته جمعی که با هم انجام می دادیم مثل وسطی و والیبال را تا آخر انجام می داد . سعی می کرد خود را کنترل کند و با دیگران بازی کند .

موارد	هفته دوم آبان	هفته سوم آبان	هفته چهارم آبان
عدم آرامش در زنگ ورزش	۴	۳	۱

شواهد و اطلاعات گردآوری شده نشان می داد که راههای به کار گرفته شده موثر بوده و باعث بهبودی وضعیت و کاهش رفتارهای او شده است. مدیر دبستان، معاونین، بچه ها، اولیاء و ... نیز بر این مسئله اذعان داشتند. با این اوصاف تصمیم بر آن گرفتیم که همچنان به پی گیریهای خود ادامه داده و در زمان های تعیین شده در جریان وضعیت خانوادگی او قرار بگیریم.

تمام کارهایی که برای بهبود وضعیت فاطمه انجام شده، شاید در نگاه اول تلاش یک جمع برای نجات یک فرد به حساب آید اما تلاش جمعی ما برای تحول در وضعیت او خود باعث ایجاد همدلی در بین همکاران و ایجاد احساس رضایت در همه همکاران بود. این خود پایه ای بود تا آموزگاران دیگر نیز هنگام برخورد با دانش آموزان مشابه با نگاهی جدید به مسائل بنگرند.

نتیجه گیری

بی شک، شیوع پرخاشگری در میان نوجوانان، موجب نگرانی بسیاری از خانواده ها، اولیاء، مربیان و مسؤولان کشور است. گسترش روزافزون این ناهنجاری رفتاری بر زندگی فردی و اجتماعی انسان ها تأثیرات منفی گذاشته و آرامش و احساس ایمنی را مورد تهدید قرار می دهد. البته توجه به این نکته ضروری است که رفتار پرخاشگرانه همیشه نامطلوب نیست، بلکه دارای حکمت هایی از جمله دفاع و دفع خطراتی است که بقا و ادامه زندگی را تهدید می کند، ولی اگر مهار نشود و به راه های صحیح هدایت نگردد، همین ابزار دفاعی موجب آسیب های جبران ناپذیری می شود.

برای درمان پرخاشگری گام اول شناخت و ریشه یابی علت یا علل پرخاشگری است با شناخت این عوامل می توان همکاری های لازم را برای کاستن از میزان و شدت پرخاشگری ارائه نمود مانند سرگرم نمودن فرد مهر و محبت و دلجویی آموزش تنهایی فکرکردن صبر و متانت نشان دادن در مواقع پرخاشگری تشویق جهت استحمام و برآورده کردن نیازهای کودکان و نوجوانان مساعد ساختن جو آزادی های کنترل شده جلوگیری از توهین و ناسزا گفتن به آنها و یا مقابله به مثل نکردن با آنها جلوگیری از تهدید و ترساندن الگوهای خوب را به آنها نشان دادن رهنمودهایی در مورد سازش و جوشش با دیگران تشویق به بازیهای گروهی و رعایت بترکت و قوانین در زندگی با دیگران عادت دادن به آنا به گذشت یاد دادن انتقاد صحیح به آنها جهت تخلیه و سبک شدن و آرامش یافتن و درپایان چنانچه رعایت عوامل فوق تأثیری نداشت می توان از عوامل دیگری مانند توبیخ اخطار تحکم علامت مقابله به مثل تنبیه و قهر و... استفاده نمود.

پیشنهادهای :

همان گونه که بروز رفتار پرخاشگری در کودکان دلایل مختلف دارد ، کاهش آن نیز به راههای گوناگون امکان پذیر خواهد بود . این امر در هر کودک متفاوت بوده ولی به نظر من این راهها کارساز خواهد بود و می توان با استفاده از آنان این رفتار ناپسند را در این افراد کاهش داده و این کودکان را به جمع همسالان خود وارد ساخت تا اینان نیز به زندگی عادی و پر از نشاط کودکی برسند و از آن لذت ببرند .

۱. هم جهت بودن والدین در تربیت او

۲. محبت کردن اولیا در حد متعادل

۳. تعامل همه جانبه بین والدین

۴. عدم تنبیه بدنی کودک

۵. تذکر دادن کارهایی از زمان کودکی

۶. اهمیت دادن به او در مواقع خاص

۷. ایجاد فرصت برای انجام فعالیتهای بدنی

۸. دور بودن کودک از الگویی که پرخاشگر است .

۹. کم کردن حمایت یکی از اولیا که کودک به او تکیه دارد .

۱۰. دادن مسئولیت به او

۱۱. متوجه کردن او به اینکه رفتارش مورد و زیر نظر است .

۱۲. سرپرست گروه کوچکی بودن او

۱۳. بالا بردن اعتماد به نفس کودک

۱۴. آگاه کردن او از عواقب کارهای زشت و ناپسند و آزار دهنده ی دیگران

۱۵. همکاری اولیا دانش آموز با اولیا مدرسه

منابع

- ۱- اکبری ابوالقاسم. مشکلات نوجوانان و جوانان، تهران، نشر ساوالان، سال ۱۳۸۱، چاپ دوم
- ۲- فوایی نژاد، شکوه. رفتارهای بهنجار و ناهنجار کودکان، انتشارات انجمن و اولیا و مربیان سال ۱۳۸۲
- ۳- نلسون، ریتا و لکس، الن سی، اختلافات رفتاری کودکان، ترجمه محمد تقی منشی
- ۴- طوسی، مشهد، انتشارات آستان قدس، سال ۱۳۶۹ چاپ چهارم